

مقدمه

مفهوم «وحی» در فرهنگ دینی، به‌ویژه در ادیان الهی از اساسی‌ترین مفاهیم به‌شمار می‌آید. نقش بنیادی وحی از این‌روست که روزنه انسان به جهان غیب می‌باشد، و از همین مجرا تعالیم دینی و الهی به آستان زندگی بشر فرو می‌آید. از این‌رو، هرگونه تغییر در نوع نگاه انسان به این موضوع و ماهیت آن، در فرایند دین‌داری انسان تأثیر عمیق و انکارناپذیری ایجاد خواهد کرد.

رابطه انسان و عالم ماورا و اعتراف به محدودیت ذهن بشر و نیاز به دریافت راهنمایی از این طریق معنا می‌یابد، به‌ویژه در ادیان ابراهیمی آن را تحت آموزه «وحی» می‌شناسند. هریک از ادیان ابراهیمی، یک تعریف از وحی دارند. در ادیان غیرابراهیمی نیز مانند آئین سیکه که به چنین آمیزه‌ای، به‌عنوان کلام خدا تأکید کرده و آن را در کتاب مقدس سیکه به عنوان کلام الهی (حق) می‌پذیرد. اما اینکه وحی در اسلام و شبد در آئین سیکه، شامل چه چیزی هستند و دایره شمولیت آنها چگونه است، جای بحث و تحقیق فراوان دارد که این مقاله، سعی بر روشن شدن این مسئله و تفاوت آن دو دارد. در دین اسلام، موارد استعمال وحی از قرآن کریم به‌دست می‌آید، اما در آئین سیکه، «شبد» مفهومی است که تنها به کتاب آدی گرتنه محدود نیست، بلکه متون مقدس سایر ادیان را هم دربرمی‌گیرد؛ زیرا آنها را هم بیان الهی می‌داند.

در ادیان مختلف، به نوعی همسانی، همانندی، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مشاهده می‌شود. یکی از مصادیق این امر، آئین سیکه است؛ یعنی عصاره معنویت اسلام و هندو می‌باشد که برخاسته از نهضت بهکتی است که از عرفای اسلامی متأثر می‌شود. از اولین سخنی که گورو نانک پس از سه روز غیبت به زبان آورد، مبنی بر اینکه «نه هندویی است نه مسلمانی» باید این نکته را خاطر نشان کنیم که او هرگز قصد زیر سؤال بردن اصل اسلام را نداشته است، بلکه منظور نانک این بوده که در آن روزگار، پیروان واقعی هندو و اسلام یافت نمی‌شدند. لذا در آن شرایط، هندو یا مسلمان بودن بی‌معناست، مهم این است که بنده حقیقی خدا بود. به باور سیکه، گورونانک برگزیده شد تا انسان‌های گمراه و اسیر در چنگال تعصب و بی‌ایمانی را هدایت کند.

«وحی» در اسلام سنگ زیربناست و در آئین سیکه، منظور از واژه «وحی»، الهام الهی است. این سؤال مطرح است که چه فرقی بین الهام الهی به گورو نانک و وحی الهی به پیامبر گرامی اسلام ﷺ، که یک دین ابراهیمی را بنا نهاده است، وجود دارد؟ در دین اسلام، فقط حضرت رسول مأمور دریافت وحی می‌باشد، اما در آئین سیکه، به غیر از گورو نانک، بهگت‌ها و عارفان و شاعران هم سخنان خود

مفهوم شبد در گورو گرتنه صاحب و وحی یا کلام الله در قرآن کریم

پروانه تقی‌خانی / کارشناس ارشد ادیان غیرابراهیمی دانشگاه ادیان مذاهب

سیدمحمد روحانی / دکتری فقه و معارف گرایش کلام اسلامی جامعه المصطفی

دریافت: ۱۳۹۴/۶/۱۶ - پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۱۱

lilipot_1990@yahoo.com

mohammadrohani59@yahoo.com

چکیده

وحی الهی، یکی از منابع مهم ادیان و آیین‌های مختلف جهان می‌باشد. آئین سیکه نیز بر این موضوع تأکید داشته و با مفهوم شبد از وحی سخن گفته است. با وجود این مطالب، وحی در قرآن کریم و شبد در گورو گرتنه صاحب، شباهت و تفاوت‌هایی دارند. شبد به‌هیچ‌وجه در وزن وحی الهی در اسلام نبوده و اساساً با رسالت پیامبر اسلام ﷺ قابل مقایسه نیست. ساده‌ترین موضوع در وحی متجلی در قرآن ناتوانی دیگران در آوردن مثل آن است و البته وعده حفظ و نگهداری قرآن کریم توسط خداوند نیز تفاوتی اساسی در این میان است.

کلیدواژه‌ها: شبد، بانی، وحی، قرآن کریم، گورو، نبی، الهام، گورو گرتنه صاحب.

را در کتاب مقدس ثبت کرده‌اند. در این زمینه، پرسش‌هایی همانند آغاز تدوین قرآن کریم و گورو گرتنه صاحب و پایان آن و چگونگی انجام آنها و محتوای متون از چه قالبی پیروی می‌کند؟ توسط چه کسی و یا کسانی در آن قالب خاص درآمده است، آیا سراینده‌گان در آئین سیگه به‌عنوان واسطه پیام خدا به مردم، ادعایی داشتند؟ نقش زبان و خط در قداست آن چگونه است؟ این متن جایگاه و اعتبار خود را از چه کسب می‌کند آیا پیروان، آن را الهامی یا حیانی به‌شمار می‌آورند و میزان اعتبار به همین اعتقاد بستگی دارد؟ و سؤالاتی از این دست، در هر دو دین مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیشینه و ضرورت بحث

اگرچه مفهوم «وحی» در اسلام، به طور مستقل در مقاله‌های مختلفی از جمله «حقیقت وحی در قرآن و حکمت اسلامی» از صالح حسن‌زاده بررسی شده، و مفهوم «شبد در آئین سیگه» را محمد روحانی در کتاب *دین سیکه‌ها*، به اختصار بیان کرده است، اما در خصوص مفهوم «وحی» هیچ کتاب و مقاله‌ای به طور مقایسه‌ای به این مفهوم نپرداخته است. از این رو، ضرورت بحث آن در نظر دین‌پژوهان غیرقابل انکار است؛ در این مقاله، این مهم یعنی مقایسه مفهوم وحی و شبد بررسی می‌شود.

سیر تاریخی

واژه «سنسکریت بهکتی» *bhakti* از ریشه فعلی (بهاج)، به معنای مشارکت دادن یا متعلق بودن به و همچنین پرستیدن است (بتجاریه، ۲۰۰۳، ص ۳۲). تأثیرگذاری آیین‌های دیگر و نفوذ اسلام را می‌توان موجب ظهور طریقه بهکتی تلقی کرد. علاوه بر اینکه طریقه بهکتی، سابقه طولانی در هند داشته است، اما آنچه مسلم است اینکه نفوذ صوفیان مسلمان و گسترش آموزه‌های آنان، زمینه را برای گسترش این طریقه فراهم آورد (حافیز، ۱۹۹۹، ص ۱۳۶).

نهیست بهکتی در جنوب هند به آلوارها (alvars) برمی‌گردد که باور داشتند با پرستش و دوستی خالص خدا می‌توان در قلب انسان‌ها نفوذ کرد. بهکتی نوعی دین است که شامل پرستش و دوست داشتن یک خدای شخصی و برتر است. آنها همه نوع مناسک و عبادت بتان را رد کردند و کبیر (یعنی یکی از بهگت‌ها که در ترویج آئین سیکه نقش اساسی داشت) نیز در این آئین شخصیتی که معتقد بود سنت بهکتی و دستورات دینی را از طریق شبد (کلام الهی) به مردم ابلاغ می‌کند. آئین سیکه توسط نهضت بهکتی رشد یافت. در این نهضت، هیچ جایگاهی برای تشریفات وجود نداشت و پیروان این دین در این مورد همانند آلوارها بودند (راج، ۱۹۸۷، ص ۲۸).

گورونانک، خدا را آفریننده و واجب‌الوجود می‌داند که همه جا حاضر و تجسم‌ناشدنی است. آیین سیکه با الهام و وحی به گورونانک شروع شد که آیین سیکه دنباله طریقه بهکتی است. اما آنچه مهم است ماهیت خدا یا همان الهام و وحی است. برای گورو خدا به معنی محبت و عشق ورزیدن است. در غیر این صورت، او قابل توصیف نیست. به این ترتیب، بهکتی یعنی عشق ورزیدن (سینگ، ۱۹۹۴، ص ۱۷۲). وقتی نانک در کنار دریاچه برای غسل رفته بود، تا سه روز ناپدید شد. پس از این مدت، برگشت و ارتباط مستقیم خود را با حقیقت نهایی (خدا) در طی این غیبت توضیح داد (همان، ۲۰۰۹، ص ۲۷) در بسیاری از روایات جنم ساکھی‌ها، مردانا (۱۴۵۹-۱۶۳۴)، به عنوان همدم گورونانک بیان شده و کسی است که گورونانک را با نواختن سازی به نام «ربک یا رباب» (Rabab)، همراهی می‌کرده است. هرگاه گورو ملهم شدن و بیانی الهی را احساس می‌کرد، مردانا را ندا می‌داد تا با ساز خود آماده باشد (مکلنود، ۲۰۰۵، ص ۱۲۶).

تاریخ تدوین و تکامل

منابع اولیه

برخی محققان در پیگیری تاریخ متن آدی گرتنه، سه منبع مهم اولیه را معرفی کردند: گوربانی، پُتهیگورو هر سهای Pothi Guru Har Sahai، و باقی‌مانده دو پُتهی گیندوال Pothi Goindwal، به همراه ۱۲۴۵ نوشته موجود در کتابخانه دانشگاه گورونانک دو Guru Nanak Dev University، در شهر امریتسر. از نظر آنان، این مدارک گردآوری شده به دوره پیش از این مجموعه کتاب معتبر سیکه تعلق داشته است. از این رو، این مدارک به عنوان منبع اصلی معرفی شده‌اند. با توجه به آن، گورو/رجن به گردآوری آدی گرتنه پرداخت و به آن اعتبار بخشید (سینگ، ۲۰۰۴، ص ۱۹۰).

پُتهی گورو هر سهای

این پُتهی تا سال ۱۹۷۰م در مالکیت خاندان سدھی (Sodhi) (گوروهر سهای)، دهکده‌ای نزدیک فیروزپور در پنجاب بود. درباره این پُتهی می‌گویند: منبع اصلی است که توسط گورو نانک به جانشینش گورو انگد واگذار شد؛ یعنی گورو/رجن آن را از طریق پیشینیان به ارث برده، سپس در تصرف پرتی چند (Prithi Chand) و فرزندان او قرار گرفت. اخیراً بحثی در این باب شد که حتی پُتهی گورو هر سهای نوشته اصلی، که به گورونانک نسبت می‌دهند، نبود. شاید تصویری از نوشته‌ای بود که مغز و درون مجموعه مکتوبات مطابق متن کتاب مقدس سیکه را نشان می‌داد (سینگ مانن، ۲۰۰۱، ص ۳۳).

پُته‌های گیندوال

بر طبق منابع سنتی سیکه قبل از آدی گرتنه، گورو ارجن در گیندوال از بابا مهان خواست تا پُته‌هایی را که تحت نظر راهنمایی گورو/مرداس مهیا شده بود در اختیارش بگذارد. دو پُته‌ی، حاضر به عنوان پُته‌های گیندوال شناخته شد که در تصرف دو خانواده بهاله Bhalla بودند و آنها را از بابا مهان از طریق نسل‌های متوالی ارث بردند. درحالی‌که بعضی محققان، آنها را نوشته‌های مهمی می‌دانند که کمک کرد ترتیب مجموعه کتب اولیه سیکه بهتر شناخته شود، محققان دیگر باور داشتند که حتی این پُته‌ها، به سنت معنوی اصلی سیکه تعلق نداشتند و برای گورو ارجن در گردآوری آدی گرتنه، فایده‌ای نداشتند (همان، ص ۴۰).

جایگاه شبید

مفهوم «وحی» و «کلام الهی»، در آیین هندو، پیش از سیکه هم رواج داشته است. آیین هندو در مکاتب آستیکه (راست کیش) تأکید دارد که متون وده‌ای، کلام انسان نیست. این مکاتب خود به دو فرقه تقسیم می‌شود: فرقه‌ای که منشأ شبده را کلام خداوند می‌دانند؛ مثل مکتب یگه. برخی نیز مانند مکتب می‌مامسا، منشأ شبده را ماورای بشری می‌دانند، اما آن را ازلی و خودبنیاد معرفی کرده، خدا را به عنوان منشأ آن نمی‌دانند. سندیت آسمانی وده‌ها، شالوده نظری این مکتب بود. این آئین می‌خواست بیش از هر چیز ثابت کند که وده، واقعیتی است مستقل و متکی به خود و از ازل بوده و تا ابد خواهد بود و منشأ آن ورای انسانی است. به‌همین دلیل، بین مأخذشناختی که می‌مامسا قبول داشت، فقط آخرین آن، یعنی علم لفظی (شبده)، مربوط به وحی منزل عبارات ودایی بود که شایسته آن بود که به کنه شریعت پی ببرد. به همین دلیل آن را مافوق وسائل دیگر شناخت می‌پنداشتند (شایگان، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۷۲۹) و مطالب وده‌ها، که «شروتی» هم نامیده می‌شوند، از طریق شنیدن اصوات آسمانی به‌دست می‌آیند. ریشی‌ها (فرزانگان الهام‌یافته)، کسانی بودند که به‌طور مستقیم حقایق وده‌ها را از خدای برهما دریافت می‌کردند و به عنوان واسطه به مردم می‌رساندند (پرتھی، ۲۰۰۸، ص ۹).

آموزه شبید و نام

باور به کلام ازلی و جاودان، در اکثر ادیان اندیشه اساسی واحدی است. این آموزه بنیادین، که ساختار بهتری برای زندگی ارائه می‌دهد، در آئین سیکه نیز وجود دارد. واژگانی که از نظر معنا به شبید نزدیک

است، لوگوس (عقل کل) فلسفه یونانی و عقل افلاطونی جدید (نو افلاطونی) هستند. لوگوس در یونان، وروبوم در لاتین، ممرا memra در یهودی، اکهار akhar و کوا kavao در پنجابی، همگی عقاید یکسانی دارند (جوشی، ۲۰۰۰، ص ۷۱).

بر سطح علوم ماورای طبیعی، شبید اصل برتری یافته و روشن‌کننده خدای برتر است؛ تنها اصل فعال آفرینش، که زندگی دنیا را پس از آفرینش و فسخ تنظیم می‌کند. در سه حرف، درخشش کلمه شبید، نور را آشکار می‌کند. این قاعده نور الهی است، اما ورای جهان مرئی پنهان شده است. شبید، اساس زندگی درونی و خزانه‌های درونی عقل ماست. این آموزه حکم و شبید، که به‌طور کامل جدایی و برتری علوم معقول را کم‌رنگ می‌کند، بین برتری یافتن و درهمه جا حاضر بودن، بودن و شدن، قرار گرفته است. به این ترتیب، تصور گورونانک از شبید، پویاتر از یونانی‌هاست. اینکه چرا شبید در الهیات سیکه، اساس معرفت است، به این دلیل است که میانجی بین خدا و آفرینش، بین گورو و مرید است. از این رو، شبید شهید (امریت) زندگی نامیده شد (همان، ص ۷۴).

در آئین سیکه، شبید راهی است که به حقیقت نهایی منتهی می‌شود. در گورو گرتنه صاحب آمده است: یگانگی که شکل، رنگ و جسم ندارد و از طریق شبید آشکار می‌شود. این کلمه جسم ندارد. بنابراین، کلمه ماهیت بی‌شکل حقیقت نهایی را نشان می‌دهد که ورای همه چیز قرار دارد و هر کس آن را درون خود می‌یابد. از طریق کلمه بود که گورو نانک، هنگام دریافت الهام الهی هیچ شخصی را ندید، اما ندای الهی را شنید (سینگ، ۲۰۰۹، ص ۶۱).

تاریخ نگارش کتاب مقدس

آدی گرتنه اصلی در سال ۱۶۰۴ میلادی، توسط پیشوای پنجم، از روی مطالبی که نانک و پیشوایان سیکه باقی گذاشته بودند، تألیف گردید. بعدها بخش‌های کوتاهی نیز توسط پیشوای نهم و دهم به آن افزوده شد. مولفان آدی گرتنه جمعاً سی و هفت نفر هستند. نسخه جدید آدی گرتنه در گوردوارای دمدمه صاحب در سال ۱۷۰۶ آماده شد و منشأ گورو گرتنه صاحب سروده‌های گورونانک است که بیشتر سبک و سیاق عرفانی دارد (دوگل، ۱۹۹۳، ص ۲۳۱).

ارجن تلاش کرد تألیف آدی گرتنه مقدس را به شیوه معلمی معنوی انجام دهد. در اولین قدم، او نویسندگانی را به مکان‌های مختلف، که گورو نانک از آنها دیدن کرده بود، فرستاد و پیروان او با کسانی که با معلمان معنوی ارتباط داشتند، تماس برقرار کردند و تفاسیر معتبری از اشعار مذهبی آنها به‌دست

آوردند. سرودهای گورو گرتنه صاحب، به صورت علمی توسط گورو ارجن انشا شد. او با تلاش‌های جدی خود، بهترین متن موجود را فراهم کرد. ترکیب و ترتیب نهایی کتاب نیز از ابداعات اوست. اشعار را به گونه‌ای نظم داده که بدون برهم زدن ترتیب آهنگ و ریتم آنها، نمی‌توان تفسیری در آنها ایجاد کرد و اشعار را به تعداد تقریباً مساوی با تعداد موجود در پُته‌ها در این مجموعه وارد کرد و برخی اشعار بهگت‌ها را حذف کرد و سروده‌های افرادی مثل نامدو (Namdev) را بازنویسی کرد (روحانی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹).

گران‌بهاترین هدیه را گورو ارجن، به‌ویژه به سیکه‌ها و به‌طور کلی، به جهان ارائه داد که کتاب مقدس، اشعار روحانی (وانی) گوروهای اولیه را دربر داشت. هر گورو که آن را می‌سرود، آن را در الگوی راگ (واحد‌های آهنگین) انجام می‌داد، این بدان معناست که کتاب مقدس از قالب واحد‌های آهنگین راگ پیروی کرده است. از آن پس، سیکه‌هایی که هیچ‌یک از دو زبان سنسکریت و عربی را نمی‌دانستند و برای مناجات خویش به کتاب‌های مقدس هندوها و مسلمانان رجوع می‌کردند، به جای این کار به اشعار گوروهای خویش به زبانی که برای آنها قابل فهم بود، مراجعه می‌کردند (سینگ، ۲۰۰۶، ص ۱۱۵).

در مجموع، شش زبان پنجابی، مولتانی، فارسی، پراکریت، هندی و ماراتهی در این کتاب استفاده شده است؛ یعنی بیش از هر دین دیگری از زبان‌های مختلف در آن به کار رفته است. با این حال، حروف نگاشته شده در سراسر آن به صورت خط گوروموکهی است (Singh kalsi, ۲۰۰۵، ص ۳۶).

سُر‌آیندگان گورو گرتنه صاحب

گوروها، تصنیفات خود را عامه‌پسند ارائه می‌کردند. این روش، به سیکه‌ها در خواندن سرودهای روحانی در آهنگ‌های مناسب کمک کرد. *بانی نانک* (اشعار نانک)، سراسر مناجات و اندرز موعظه است و بیشتر سخنش در بیان بزرگی و تقدس اوست. سرود جپ‌جی از نانک نقل شده که در پاسخ خطاب الهی به وی الهام شده و در آن آمده است که خدا یکی است و نام او حق است (سینگ کهلی، ۲۰۰۲، ص ۴).

شخصی که بیشتر توجه او به امورات دینی و خداست، «بهگت» نامیده می‌شود. او فقط خدا را می‌پرستد و خواست الهی را می‌پذیرد. یک بهگتی، چنان متواضع است که در هر شرایطی به فقیران و درماندگان کمک می‌کند. پس او الگوی افرادی است که علاقه‌مند به پیروی راه تقوا هستند. بهگت‌های سیکه، سروده‌هایی در گورو گرتنه صاحب دارند که پانزده نفرند (همان، ص ۷۷).

جیدو (Jai dev)، دو سرود روحانی، فرید (Farid) چهار سرود روحانی و ۱۳۰ سلوک. بنی (Beni) سه سرود روحانی، نامدو (Namdev) ۶۰ سرود روحانی، تریلوچان (Trilochan) چهار سرود روحانی، پرماننده (Parmananda) یک سرود روحانی، ساهنا (Sadhanā) یک سرود روحانی، راماننده (Ramananda) یک سرود روحانی، دهنا (Dahana) چهار سرود روحانی، پپیا (Pipā) یک سرود روحانی، ساین (Sāin) یک سرود روحانی. کبیر ۲۹۲ سرود روحانی و ۲۴۹ سلوک. راولداس ۴۱ سرود روحانی، بیکهن (Bikhan) دو سرود روحانی، سور داس (Surdās) دو سرود روحانی، مردانل (Mardanā) سه سلوک بیان شده است (کتور، ۱۹۹۵، ص ۲۰).

بهاث‌ها، محققانی هستند که از مکان‌های مختلف، صومعه‌ها و مدرسه‌های علوم دینی بازدید کردند و استدلال‌های اجتماعی، مذهبی مختلف را به دقت بررسی کردند. آنها در انجمن‌ها شرکت می‌کردند و سرایش‌های داخل گورو گرتنه صاحب را وضع کردند که به این ترتیبند: ۱. کاله، ۲. کیرت، ۳. جَلپ، ۴. بهیکه، ۵. بهاله، ۶. ساله، ۷. ناله، ۸. رد، ۹. دس، ۱۰. مدوره، ۱۱. هاریانز.

همچنین سایر افرادی که در گورو گرتنه صاحب هستند (balvand satta amardana, sunder, همان، ص ۹). بنابراین، کسانی که در تکمیل کتاب مقدس شرکت کردند عبارتند از: ۱. گوروها، ۲. قدیسان و بهگت‌های دوره قرون وسطا شامل صوفی‌ها، ۳. بهاث‌ها، ۴. سایر افراد. اما در رابطه با گوروها، فقط شش نفر از آنها بودند که در کتاب مقدس شعر داشتند: گورونانک، گورو انگد، گورو امرداس، گورو رام داس، گورو ارجن و گورو تیغ بهادر. قدیسان و بهگت‌ها پانزده نفرند (سینگ، ۲۰۰۰، ص ۸).

محتوای گورو گرتنه صاحب

محتوای گورو گرتنه صاحب بیشتر مباحث عرفانی و اخلاقی است. هرچند پس از کشته شدن پنجمین گورو سیکه (گورو ارجن)، آئین سیکه به سمت نظامی‌گری و جنگاوری رفت، اما سعی شد سبک و محتوای گورو گرتنه صاحب همچنان عرفانی و دینی باقی بماند. اما بعدها دسم گرتنه در کنار گورو گرتنه جنبه نظامی و جنگاوری را دربر گرفت. با توجه به اینکه گورو گرتنه صاحب متنی عرفانی، الهی و اخلاقی است، نخستین سروده آن به نام جپ‌جی صاحب، منصوب به گورونانک می‌باشد و محتوای آن بیشتر خداشناسی و نجات‌شناسی است.

خدا در گورو گرتنه این‌گونه تعریف شده است:

محدودیتی ندارد، بدون هیچ نگرانی، خود را در همه چیز آشکار می‌کند. دستور الهی و حکم او را نمی‌توان توصیف کرد، به دستور او همه اشکال آفریده می‌شود. با دستور او همه زندگی آفریده می‌شود و

همه چیز فراهم می‌شود. به امر او بعضی بالا هستند و دیگران پایین. بعضی رنج و بقیه خوشی دارند. به امر او یکی تقدیس شده و به اتحاد با خدا می‌رسد و دیگران محکوم به دوری همیشه‌اند. همه زیر دست او هستند و هیچ کس ورای قلمرو قدرت او نیستند. اگر کسی فرمان او را درک کند، او ضمیرش را پاک‌سازی کرده و خود محور نیست (همان، ۱۹۸۹، ص ۶۱).

به اعتقاد سیگه، جهان چندین بار خلق شده و پایان یافته است. زمان خلقت برای کسی جز خود خدا شناخته شده نیست. اما آفرینش بدون آغاز نیست و خداوند در خلال فاصله انهدام و خلق، عمیقاً در خلسه است. هیچ چیز بیرون از کنترل و اراده او نیست. در کتاب مقدس، منشأ آفرینش کلام (شبد) و نام دانسته شده است که از عنصر اثری هوا و از هوا آتش و از آتش آب و از آب زمین را استخراج می‌کند. از نظر گورو، این پنج عنصر اساسی‌ترین جز اصلی کل آفرینش می‌باشد و قالب انسان نیز از همین عناصر تشکیل شده است. با اینکه آفرینش تجلی اوست و برخوردار از واقعیت و حقیقت است، اما با خالق یکسان نیست. جهان در خداست، اما خدا در جهان نیست. آفرینش محدود و مشروط است و خالق مستقل و نامحدود (همان، ۱۹۸۱، ص ۳۸).

وحی یا کلام خدا در اسلام مفهوم‌شناسی

«وحی» در لغت معانی بسیاری دارد. رایج‌ترین معانی آن عبارت است از: اشاره، کتابت، رسالت یا پیام‌آوری، الهام، کلام پنهانی و هر آنچه به دیگری القا شود. معنای جامع وحی در لغت، همان تفهیم و القای سریع و نهانی یک مطلب به صورت‌های مختلف، اعم از لفظی، کتبی و اشاره‌ای است. اطلاق واژگان «وحی» بر مواجهه پیامبر با امر متعالی و دریافت پیام از آن نیز به اعتبار نهانی و سرعت آن است (قدردان قراملکی، ۱۳۸۸، ص ۹۶).

می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ» (کهف: ۱۱۰)؛ بگو من بشری هستم مانند شما و به من وحی می‌شود که معبود شما خدای یکتا است.

وحی در اصطلاح

از آنجاکه حقیقت وحی برای غیرپیامبران قابل درک نیست، در اصطلاح نیز برای «وحی» تعاریف گوناگونی ارائه شده است و در هر رشته علمی با رویکردی ویژه تعریف شده است. برای نمونه، این واژه در اصطلاح علم کلام، اخص از مفهوم لغوی آن است و ویژه پیامبران است؛ زیرا حقیقت آن برای غیرپیامبران قابل درک نیست. هرچند برای وحی تعاریفی ارائه شده است، اما غالباً تعریف حقیقی

نیستند. اصولاً تعریف ماهیت و حقیقت وحی امکان ندارد؛ زیرا یک ارتباط عادی نیست تا درک و تعریف آن ممکن باشد و این تعاریف شرح اسمی بیش نیست (امینی، ۱۳۷۷، ص ۲۷).

منابع نگارش اولیه قرآن

عثمان به دلایل مختلفی صحیفه‌های قرآنی را در مصحف‌ها رونویسی کرد. اول اینکه، علت اساسی این اقدام این بود که مسلمانان در چگونگی قرائت قرآن اختلاف داشتند. دوم اینکه، کمیته چهار نفره با اصل قرار دادن صحیفه‌ها برای رونویسی، درحقیقت نسخه ابوبکر را اصل کار خود قرار دادند. سوم اینکه، قرآن به لغت قریش نازل شده بود و به همین جهت، عثمان دستور داد که اگر در میان زید و سه قریشی دیگر، در نوشتن متن قرآن اختلافی پیش آید، لغت قریش ملاک عمل قرار گیرد. و سرانجام اینکه، عثمان به سرزمین‌های مختلف اسلامی، یک نسخه از این مصحف جدید را فرستاد و برای از بین بردن هرگونه نزاع تمام صحیفه‌ها و مصحف‌های دیگر سوزانده شوند (صبحی صالح، ۱۳۷۳، ص ۱۲۲).

تاریخ نگارش قرآن در زمان پیامبر

پیامبر اکرم ﷺ اصحاب خود را همانند خلفای چهارگانه، معاویه، زیدبن ثابت، ابی بن کعب، خالدبن ولید و ثابت بن قیس را برای کتابت وحی برگزید و آنها این متون را بر سنگ نازک، شاخه درخت خرما، استخوان پهن شتر یا گوسفند و غیره می‌نوشتند و برای این کار، از خط نسخ یا کوفی استفاده می‌کردند. این متون پشتوانه‌ای بود بر آنچه که مسلمانان حفظ می‌کردند. ترتیب آیات هر سوره و قرار دادن بسم الله در اول آن، طبق دستور خود پیامبر بود؛ هیچ‌کس حق نداشت در ترتیبی که جبرئیل در آیات قرآن برای رسول خدا ﷺ معین کرده بود و وی آن را به منشیان وحی منتقل کرده، دخل و تصرف کند (همان، ص ۱۱۱).

بر اساس مطالعات محققان اسلامی در آن زمان، افراد زیاد دیگری نیز به کتابت وحی اشتغال داشتند که به بیان چند نفر بسنده می‌کنیم: زبیربن عوام، ابوسفیان، یزیدبن ابی سفیان، سعیدبن عاص بن امیه، سعیدبن ابی وقاص، و محمدبن سلمه انصاری. از اولین کاتب وحی در مکه، عبدالله بن سعید بن ابی سرح، و نخستین نویسنده وحی در مدینه، ابی بن کعب و زیدبن ثابت نام برده شده‌اند. به‌هرحال، مسئله کتابت وحی و نگارش قرآن در زمان پیامبر اکرم ﷺ با توجه به اسناد و مدارک معتبر، مطلبی است که هیچ‌گونه تردیدی در آن راه ندارد (حجتی، ۱۳۷۲، ص ۲۰۳).

محتوای قرآن

قرآن از حوادث گذشته و آینده و حقایق غیبی خبر می‌دهد. داستان آفرینش این سرای خلقت، و سرنوشت قطعی آن را توصیف نموده، نعمت‌ها و عذاب‌های دردناک سرای آخرت را تا عدد درهای جهنم و تعداد فرشتگان گماشته شده بر هر دری برشمرده است. قرآن، اخبار مربوط به گذشتگان را چنان به تصویر می‌کشد که گویی محمد [ﷺ] شاهد و مراقب همه این حوادث است و در عصر آن امت‌ها و در میان آنها زندگی می‌کند. همچنین مطالبی در مورد عقاید و اصول دین، شرایع و قوانین و مطالب اخلاقی را نیز دربر می‌گیرد (همان، ص ۱۵۵).

«ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ» (یوسف: ۱۰۲)، این از خبرهای غیبی است که به تو وحی می‌کنیم، و تو در آن هنگام که برادران یوسف برای عملی ساختن مکر و حيله خود، همه با هم یکی شدند، در میان آنها نبود.

از جمله گزارش‌های قرآنی مرتبط با سپهر کیهانی اینکه، آفرینش مجموع آسمان و زمین در دو روز بوده است. علوم تجربی هرگز درباره این مسائل آگاهی نداشته و نسبت به آنها اظهار نظر منفی یا مثبت نداشته است. دانش بشری به هیچ‌وجه درباره امور یادشده، برهان قطعی ارائه نکرده است. چه‌بسا آنچه در قرآن آمده، بازخوانی همان چیزی است که در کتاب‌های انبیا پیشین، چندین قرن پیش مطرح بوده است. ولی آنچه در قرآن مطرح است، هیچ ارتباطی با آگاهی و دانش‌های عصر نزول قرآن نداشته تا پندار شود که علم و آگاهی پیامبر برگرفته از علم آن روز بوده که با بطلان آن، سخن پیامبر نیز باطل شود (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۱).

همانا قرآن کریم مردم را به وجود شیطان آگاهی داد که او از جنس جن است و اینکه چه‌بسا برخی از انسان‌ها نیز شیطان‌صفت بشوند. جن حقیقی موجود و آفریده خداوند است و خالق هستی او را از آتش آفرید، شیطان‌های جنی از جنس جنیان هستند که متمرّد و عصیان‌گرنده؛ ابلیس نیز از جنس جن بوده و به احکام جنیان محکوم است (همان، ص ۲۴۳).

تمایز حقیقت و محتوای وحی

برخی در موضوع مورد بحث، حقیقت وحی را با محتوای آن برابر دانسته، و گفته‌اند: حقیقت و محتوای وحی قابل وصول نبوده و هر گونه تلاشی در این زمینه بی‌فایده است. این نتیجه‌گیری، با توجه به این توضیحات موجه نیست؛ زیرا درست است که به حقیقت وحی نمی‌توان پی برد، اما حقیقت

وحی با محتوای آن متفاوت است؛ زیرا اگر نتوان به حقیقت چیزی پی برد، دلیل بر رد آن نیست و محتوای دین (قرآن و سنت) در دسترس همه می‌باشد. هر کس قادر است با توجه به فکر و اندیشه خود از آن بهره ببرد، اما حقیقت بر آنها مشخص نیست (طباطبایی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۸).

مصون بودن وحی از خطا

از نظر قرآن، «نبوت» موهبت الهی است. وحی‌گیری متوقف بر یک سلسله شرایط و خصایص می‌باشد که عصمت در دریافت پیام غیب و حفظ و ابلاغ آن، به حکم عقل و شرع اساسی‌ترین آنهاست. طریق وحی از هرگونه خطا و اشتباه مصون است. اساساً پیامبران و فرستادگان خدا باید معصوم باشند؛ زیرا اینان در هدایت مردم وسیله کارند. اگر در دریافت یا تعلیم و ابلاغ آنچه فراگرفته‌اند خطا کنند، دستگاه آفرینش در اجرای برنامه هدایت خود خطا نموده و وعده خدا تحقق نخواهد یافت و محال می‌شود (سعیدی‌روشن، ۱۳۸۸، ص ۱۰۱).

اعجاز قرآن

قرآن، اعجاز جاودان نبوت رسول اکرم ﷺ است. در این خصوص، قرآن در چند مرحله تحدی کرده و منکران را به مبارزه طلبیده تا تنها یک سوره مانند آن بیاورند. این تحدی، خود برهان قاطع و حجت تامه برای اهل ایمان است؛ زیرا شخصی که ایمان به تحدی ندارد، اگر می‌توانست سوره‌ای مانند قرآن می‌آورد و چون قدرت ندارد، پس تحدی قرآن حجت علیه او نیز خواهد بود. حتی شخص رسول اکرم ﷺ به صورت احادیث قدسی و یا در چهره روایت نبوی تکلم کرد، ولی هیچ‌کدام شبیه به قرآن نبود و با آن یکی نیست. البته اعجاز قرآن فقط به خاطر فصاحت و بلاغت آن نبوده، بلکه جهات عمده و اساسی در اعجاز قرآن وجود دارد؛ زیرا برخی از جهات اعجاز قرآنی، علم به جهان غیب و اخبار آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۲۷۳).

قرآن کریم مطالبی را عرضه می‌دارد که هیچ‌گاه در خطبه‌ها و قصاید عرب وجود نداشته است و هرگز به دنبال مسائل جزئی نیست و بسان شاعران در محدوده خاصی سخن نمی‌گوید. این کتاب درباره خدا، صفات، سرآغاز و سرانجام بشر و زندگی امت‌های پیشین که بر اثر طغیان گرفتار خشم الهی گردیده‌اند، سخن می‌گوید. معانی بسیار بزرگ را در قالب الفاظی کوتاه و به طرز بدیعی بیان می‌کند، انتخاب کلمات به‌کاررفته در جملات و عبارات قرآنی کاملاً دقیق و

حساب شده است؛ به گونه‌ای که نمی‌توان کلمه‌ای را جایگزین کلمه دیگر کرد؛ زیرا گزینش واژه‌های قرآنی به گونه‌ای است که اولاً، تناسب آوای حروف کلمات هم‌ردیف آن رعایت گردیده، آخرین حرف از هر کلمه پیشین، هم‌آوا و هم‌آهنگ شده است. ثانیاً، تناسب معنوی کلمات با یکدیگر رعایت شده تا از لحاظ مفهومی نیز بافت منسجمی به وجود آید. در کل، گزینش و چینش کلمات قرآن، که اعجاز قرآن را نشان می‌دهد، به نوعی اعتبار قرآن را نیز بیان می‌کند؛ زیرا مسئله اعجاز بزرگ‌ترین دلیل بر رد شبهه تحریف است (معرفت، ۱۳۷۸، ص ۳۷۴).

ضرورت تواتر سند قرآن

به‌طور کلی شرط پذیرفتن قرآن، در هر حرف، کلمه و حتی در حرکات و سکانات، متواتر بودن آن است. علما بر این مسئله اتفاق نظر دارند که هر چه به‌طور متواتر از قرآن به ما می‌رسد، حجت است؛ زیرا قرآن سند نبوت و معجزه جاوید اسلام است. لذا تا به سرحد تواتر نرسد، نمی‌تواند نسبت به صحت نبوت یقین‌آور باشد؛ یعنی چنین کتابی گران‌سنگ، که راهبر مردمان به سوی حق و معجزه ماندگار الهی در همه روزگاران است، محال است از همه جنبه‌هایش متواتر نباشد و در غیر این صورت، از قرآن نیست (زرکشی، ۱۳۹۲، ص ۹۶۱).

وحی در قرآن

قرآن مجید در مورد کیفیت وحی این‌گونه می‌فرماید که وحی این کتاب آسمانی به صورت گفت‌وگو یا تکلیم بود. خدای متعال خود با پیامبر سخن گفته است. سه نوع تکلیم برای خدا بیان شده است. ۱. گفتار خدایی که هیچ واسطه‌ای میان خدا و بشر نباشد؛ ۲. از پشت حجاب شنیده می‌شود، مانند شجره‌طور که موسی سخن خدا را می‌شنید ولی از ناحیه آن؛ ۳. ملکی آن را حمل نمود تا به بشر برساند و در این صورت سخن فرشته وحی شنیده می‌شود که سخن خدا را حکایت می‌کند که قرآن مجید از همین راه به پیامبر رسید «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ» (حجی، ۱۳۷۲، ص ۳۳).

اصطلاح «وحی» در قرآن حدود هفتاد مرتبه در معانی مختلف لغوی و اصطلاحی به کار رفته است. آنچه مهم است اینکه، وحی در اصطلاح قرآنی فراتر از انسان و پیامبر است و شامل نوعی الهام بر غیرپیامبران، زنبور عسل و حتی شیطان می‌شود (قدردان قراملکی، ۱۳۸۸، ص ۹۶).

اما درباره چگونگی وحی پیامبران باید گفت: انزال کتاب آسمانی و فرشته وحی یا مواجهه بدون واسطه الهی از مؤلفه‌های آسمانی آن به‌شمار می‌آید. از این‌رو، وحی که پیامبر از عالم غیب شریعت و قانونی را دریافت و مأمور تبلیغ آن می‌شود (وحی تشریحی) نام برده می‌شود. مجموعه تعالیمی که به صورت دفعی یا تدریجی، تحت عنوان «شریعت» از جانب خدا به پیامبر اسلام نازل شود، وحی تشریحی می‌گویند (همان، ص ۱۵۶).

جریان نزول وحی به پیامبر اسلام ﷺ تدریجی بود. این امر حفظ قرآن را بر وی آسان می‌کرد؛ زیرا پیامبر امی بود، نه می‌خواند و نه می‌نوشت. قرآن قطعه قطعه بر او نازل شد، برخلاف پیامبران دیگر که می‌نوشتند و می‌خواندند و وقتی کتاب الهی بر آنها نازل می‌شد، می‌توانستند آن را محفوظ نگه دارند. (صیحی صالح، ۱۳۷۳، ص ۸۹).

وحی تکامل عقل نظری و عملی است و پیامبر کسی است که همه مراتب عقل نظری و عملی را در پرتو ارتباط با عقل فعال، به فعلیت تام رسانده، و معرفت وحیانی، مرتبه‌ای از معرفت عقلانی دانسته شده است. حکمای مشایی، براساس چارچوب سلسله‌مراتب عقول عشره یونانی، با کوشش عقلانی محض، درصدد تبیین ماهیت وحی برآمدند. ایشان بر اساس یک رشته مقدمات، اذعان داشتند که راز تلقی وحی، همان ارتباط و اتصال وثیق نفس و روح پیامبر با عقل فعال است (سعیدی‌روشن، ۱۳۸۸، ص ۲۶).

مقایسه و تطبیق

در اینکه «وحی» با «الهام» تفاوت دارد یا از یک مقوله است، نظرات گوناگونی مطرح شده است. شیخ محمد عبده در رساله توحید خود، پس از بیان لغوی و شرعی وحی می‌گوید:

معرفتی که با واسطه یا بی‌واسطه برای انسان حاصل شود، اگر بدانند از جانب خداست، وحی می‌باشد ولی اگر ندانند الهام نامیده می‌شود. پس الهام یک نوع احساس است؛ مانند آندوه و شادی یا گرسنگی. برخی تفاوت این دو مورد را در این می‌دانند که الهام، گاهی بدون واسطه موجودی از ملک به دست می‌آید. ولی وحی از طریق ملائکه و شهود فرشتگان بر نفس نبوی افاضه می‌شود. به این دلیل احادیث قدسیه با اینکه کلام حق هستند، وحی دانسته نمی‌شوند. سوم اینکه، وحی از خواص نبوت و الهام از خواص اهل ولایت است و نیازی به تبلیغ ندارد (نصری، ۱۳۷۶، ص ۱۹۸).

«بانی»، به معنای ندای آسمانی و الهام است، در باور آنها، اشعار و سروده‌های گوروها الهام الهی محسوب می‌شود، ولی معادل با اصطلاح وحی در اسلام تلقی نمی‌شود؛ زیرا «بانی» به معنای القای معنا و مفهومی معنوی و الهی بر قلب فرد عارف است که هیچ لزومی ندارد آن فرد پیامبر خدا باشد. در این حال، افراد با استفاده از این الهامات، اشعاری را می‌سرایند که «بانی» خوانده می‌شود.

همان‌طور که بیان شد، شبد کلام الهی است که در طی این الهام القا می‌شود. درحالی‌که مفهوم «وحی» در اسلام بسیار محدودتر از این است؛ وحی تنها بر پیامبر و از سه طریق از جمله به واسطه فرشته وحی صورت می‌گیرد.

قرآن کریم	گوروگرتنه صاحب
یک کتاب است	چندین کتاب است
آورنده واحد دارد	چندین مؤلف و آورنده دارد
زبان واحد دارد که عربی است	دارای شش زبان است، اما یک خط دارد
اعتبار آن از طریق بررسی سندی و از طریق اعجاز و تحدی قابل اثبات است	اعتبار آن قابل اثبات نیست
لحن آن حالت امری از جانب بالا به موجود پایین تر است	دعای عید به معبود است؛ یعنی مناجات‌نامه و دعا
وحی منزل در دوجنبه آموزه‌ها و محتوا، فصاحت و بلاغت می‌باشد	شعر عرفانی در ستایش و حمد خداست

به نظر می‌رسد از ویژگی‌های وحی در اسلام این است که قطعاً به پیامبر دارای ویژگی‌های منحصر به فرد تعلق می‌گیرد، اما در سیکه، گورونانک و همچنین افراد پارسا و عارف دیگر، که دارای اشعار و نوشته‌هایی با عنوان شبد و بانی در کتاب مقدس هستند، فاقد این ویژگی‌ها می‌باشند. همچنین شباهت آنها در این است که از منظر پیروان این ادیان، آنچه در کتاب مقدس آورده شده، همانند اسلام چیزی غیر از کلام الهی نیست. خدای واحد را از طریق کلامش در کتاب مقدس می‌پرستند و اینکه از دیدگاه اسلامی، موضوع برگزیده شدن فردی برای وحی در آئین سیکه صحیح می‌باشد یا خیر، امری درون‌دینی و مربوط به این بحث نمی‌باشد.

نتیجه‌گیری

با نگاهی به آنچه گذشت، این نتیجه به دست می‌آید که گرچه مسائلی همانند پیشوا بودن گورونانک و همچنین وحی به او، به نگاه درون‌دینی و برون‌دینی بستگی دارد، اما وحی و شبد، دارای شباهت و تفاوت‌هایی می‌باشند و اما شبد در سیکه، به هیچ‌وجه در شمار وحی در اسلام قرار نمی‌گیرد و با رسالت عظیم پیامبر اسلام ﷺ اساساً قابل مقایسه نیست؛ زیرا پیامبر اکرم ﷺ همه مراتب دریافت وحی، در پرتو الهی دارا می‌باشد و محتوای قرآن کریم نیز بسی جامع‌تر است و محدود به ستایش و پرستش خداوند نمی‌باشد. در نهایت، اینکه حتی در آن زمان، کسانی بودند که قصد تحریف قرآن کریم را داشتند، ولی هرگز نتوانستند؛ زیرا به امر خدا و یاری جبرئیل، آیات الهی برای همیشه محفوظ ماندند و خدای متعال خود تمام‌قد طبق آیه کریمه **إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ** (حجر: ۹) ضمانت حفاظت قرآن کریم را بر عهده دارند.

منابع

امینی، ابراهیم، *وحی در ادیان آسمانی*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.

جوادی آملی، عبدالله، *وحی و نبوت*، قم، اسراء، ۱۳۸۹.

حجتی، محمداقبر، *پژوهشی در: تاریخ قرآن کریم*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲.

روحانی، محمد، *دین سیکه‌ها*، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۸.

زرکشی، بدرالدین محمدبن عبدالله، *برهان: کتاب جامع علوم قرآن*، ترجمه حسین صابری، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۹۲.

سعیدی‌روشن، محمداقبر، *وحی‌شناسی*، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۸.

شایگان، داریوش، *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۹.

صیحی صالح، *پژوهش‌هایی درباره قرآن و وحی*، ترجمه محمد مجتهد شبستری، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.

طباطبایی، سیدمحمدحسین، *قرآن در اسلام*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.

قدران قراملکی، محمدحسن، *آئین خاتم (پژوهشی در نبوت و خاتمیت)*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.

معرفت، محمدهادی، *علوم قرآنی*، قم، التمهید، ۱۳۷۸.

نصری، عبدالله، *مبانی رسالت انبیا در قرآن*، تهران، سروش، ۱۳۷۶.

(Hafiz) bhattacharyya, n.n, ۱۹۹۹, *Medieval bhakti movements in India*, New Delhi, munshiram manoharlal.

Bhattacharya, b, ۲۰۰۳, *Bhakti* (the religion of love), new delhi, ubs.

Dhillon, Harish, ۲۰۰۰, *The lives & teachings of the Sikh gurus*, new delhi, ubspd.

Dogra & singh mansukhani, Ramesh chander, ۱۹۹۷, *Encyclopaedia of sikh religion & culture*, New Delhi, vikas publishing house.

Duggal, k.s, ۱۹۹۳, *Sikh gurus* (their lives & teachings), delhi.

Joshi, l.m, ۲۰۰۰, *Sikhism*, Patiala, Publication Bureau Punjabi University.

Kaur, guninder, ۱۹۹۵, *The guru granth sahib* (its physics & metaphysics), New Delhi, manohar.

McLeod, w.h, ۲۰۰۵, *historical dictionary of Sikhism*, United States, Scarecrow Press, Inc

Pruthi, raj kumar, ۲۰۰۸, *An introduction to vedas*, Delhi, Publisher's Distributors.

Raj, h.m, ۱۹۸۷, *Evolution of the sikh faith*, New Delhi, Unity Book Service.

مفہوم شہید در گورو گرتھ صاحب و وحی یا کلام اللہ در قرآن کریم ۶۷

Singh dilgeer, harjinder, ۲۰۰۵, *Dictionary of Sikh Philosophy*, Sikh University Press (singh brothers).

Singh kalsi, sewa, ۲۰۰۵, *(Religion of the world) Sikhism*, Chelsea house.

Singh kohli, surindur, ۲۰۰۲, *The Sikh Philosophy*, Amritsar, singh brothers.

Singh mann, gurinder, ۲۰۰۱, *The making of sikh scripture*, New York, Oxford.

Singh, i.j, ۱۹۹۷, *Sikh & Sikhism: a view with a bias*, Delhi, manohar.

Singh, jagiit, ۲۰۰۶, *The Sikh Tree*, Amritsar, b.chattar singh jiwan singh.

Singh, jodh, ۲۰۰۰, *Outlines of Sikh philosophy*, India, Sikh heritage publications.

Singh, nikky-guninder kaur, ۲۰۰۹, *Sikhism (World Religions)*, New York, Chelsea house.

Singh, s.p, ۲۰۰۴, *Guru granth (a prespective)*, Amritsar, Guru Nanak dev university.

Singh, Sangat, ۱۹۸۹, *Japji*, India, hind pocket books.

Singh, wazir, ۱۹۸۱, *philosophy of sikh religion*, new delhi, Ess Ess publications.

Singh, daljeet, ۱۹۹۴, *Essentials of Sikhism*, amritsar, singh brothers.

